

نامه به سردبیر

## تأملی بر قوّه تمیز و اراده به بهانه انتشار دو مقاله در این راستا در مجله پزشکی قانونی

سید عباس سادات حسینی

متخصص پزشکی قانونی، گروه اخلاق پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

بدون روشن شدن و تعیین تکلیف این دو مفهوم، بر احتمال خطای افزاید.

اگر هیئت تحریریه محترم مجله با توجه به تائید شدن مقاله دوم در زمان چاپ مقاله اول، نخست، دومین مقاله را منتشر می کردد، ترتیب مناسب تری اتخاذ کرده بودند حتی با توجه به مقاله اول شاید مقاله دوم با اصلاحاتی همراه می شد.

بین عنوان، محتوا و عنوانین مطالب بیان شده در مقاله اول هماهنگی نیست به نحوی که عنوان، راجع به مصاديق فقدان قوّه تشخیص و اراده است؛ لذا باید براساس حالات مختلفی که در این زمینه وجود دارد عنوان بندی می شد مثلاً عنوان اول امصاديق فقدان قوّه تمیز.<sup>۲</sup> مصاديق فقدان اراده ۳. مصاديق فقدان تمیز و اراده و غیره. سپس درباره هر یک از موارد اختلالات روحی- روانی بحث می کرد که می توانست منجر به هریک از این حالات شود زیرا خواننده براساس عنوان مقاله دنبال مصاديق فقدان اراده و قوّه تشخیص است نه مصاديق انواع اختلالات روانی. خواننده باید این زحمت را متحمل شود و در انواع اختلالات ذکر شده جست و جو کند تا اختلال مدنظر خود را پیدا کند که شاید ذکری هم از آن نشده باشد.

مقاله دوم از این نظر هم مشکل دارد و در عنوان اشاره شده به بررسی تعیین شاخص های تشخیص اراده و قوّه تمیز در بیماران روانی ارجاعی به بخش روانپزشکی قانونی می پردازد. در صورتی که در محتوا از بررسی حتی یک بیمار هم خبری نیست و صرفاً به بررسی نظریات صاحب نظران حقوقی و پزشکی راجع به این مفاهیم پرداخته است. جالب تر آن که بین قضاط و حقوق دانان نیز تفکیک قائل شده در حالی که هردو حقوقدان هستند. در آخر هم باید گفت که از نظرات گروه هایی مثل پژوهشکان قانونی یا فقهاء که گروه اخیر واضح این مفاهیم اند هم استفاده نشده است. به نظر می رسد این عنوان برای مقاله مناسب تر بود: بررسی مفهوم اراده و قوّه تمیز از دیدگاه روانپزشکان، حقوقدانان و قضاط.

در زمانی که از هر ۸۰۰ مقاله که محققان ایرانی منتشر می کنند؛ فقط یکی جنبه کاربردی دارد (در آمریکا از هر ۲/۷ مقاله یکی کاربردی است. به نقل از پایگاه علمی جهاد دانشگاهی مورخ ۲۱ دی ماه ۹۳)، انتشار دو مقاله کاربردی راجع به یک موضوع (اراده و قوّه تمیز) در دو شماره پیاپی از مجله وزین پزشکی قانونی، جای تشکر و قدردانی از نویسندها و مسئولین مجله دارد. بر خود لازم دیدم به عنوان خواننده این دو مقاله که تجربه کار در دو حوزه پزشکی قانونی و حقوق را دارد، مطالبی را برای هرچه روشتر شدن موضوع به عرض برسانم. این نکات می تواند در تحقیقات جدید راهگشا باشد. امید است که مقبول واقع شود.

مقالات به ترتیب چاپ عبارت است از:

- بررسی مصاديق فقدان قوّه تشخیص و اراده از دیدگاه پزشکی قانونی و حقوق کیفری، دوره ۲۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵ (از این پس مقاله اول نامیده می شود)
- بررسی و تعیین شاخص های تشخیص اراده و قوّه تمیز در بیماران روانی ارجاعی به بخش روانپزشکی قانونی دوره ۲۲، شماره ۳، پاییز ۹۵ (از این پس مقاله دوم نامیده می شود).

### قسمت اول:

این دو مقاله از دونقطه متفاوت به موضوعی واحد می پردازند.

مقاله اول؛ مفهوم اراده و قوّه تمیز را روشن و معین دانسته و در صدد تعیین مصاديق (انواع اختلال های روانی که مشمول این مفهوم می شوند) است و دومی به دلیل روش نبودن این دو مفهوم از نظر پزشکی و حقوقی به تبیین آن پرداخته است.

به نظر می رسد اقدام نویسندها مقاله دوم با توجه به مفهوم اراده و قوّه تمیز، مناسب تر است و تعیین مصاديق

خوردن هم قوه‌ی تمیز داشته چون خوردنی است و هم اراده داشته چون عمل خوردن را انجام داده است؛ ولی حیوان نمی‌تواند تعلق علف به دیگری را تمیز دهد و اراده تعریف به مال دیگری را نداشته است چون مفهوم مالکیت امری کاملاً انسانی است (البته افعال خودبه‌خودی هم ممکن است از انسان صادر شود مثل اعمالی که در حالت خواب یا صرع لوب تمپورال سر می‌زند که ارتباطی به بحث ندارد و بحث جدایگانه‌ای می‌طلبد).

نتیجه این که تعمیم قوه‌ی تمیز و اراده به عنصر مادی و فعل ارتکاب یافته امری ناصواب و دور از جایگاه آن در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی است.

لازم به ذکر است تمیز و تشخیص به عنوان یک مرحله از مراحل متعدد اراده توجه فقهاء و حقوقدانان را به خود جلب کرده است. تمیز و اراده دو امر مستقل و با کارکرد مستقل نیستند.

### قسمت سوم

شاید مهم‌ترین نتیجه‌ای که از مقاله دوم می‌توان گرفت وجود تفرق و پراکنده‌گی نظرات نزد روانپژشکان باشد. ۳۳ نظر روانپژشکان در مقابل مجموع ۱۶ نظر قضات و حقوقدانان (دو گروه دیگر مطالعه) نشانه نبود معیار علمی پزشکی در این زمینه بوده و این امری طبیعی است. وقتی مفهوم و عبارتی را از حوزه علم حقوق و قانون، که از علوم انسانی است و پارادایم و چارچوب مخصوص به خود و بسیار متفاوتی با علم پزشکی دارد، را به متخصصین علم پزشکی معرفی کنید؛ بین آن‌ها این چنین سردرگمی به وجود خواهد آمد. بهویژه راجع به مفهوم اراده ارتکاب جرم که جنبه بیولوژیک و مادی ندارد و مفهومی کاملاً انسانی، اخلاقی، حقوقی است. عبارت جنون هم در این چارچوب معنادار می‌شود. همان‌طور که در مقدمه مقاله دوم اشاره شده است، در حقوق مفهوم جنون با سایکوز در پزشکی یکی نیست و در بسیاری موارد مفهوم سایکوز بسیار گسترده‌تر است. به عبارات دیگر رابطه بین این دو، عام و خاص مطلق است. یعنی هر جنونی، سایکوز است ولی هر سایکوزی، جنون محسوب نمی‌شود که برخلاف ادعای مقاله اول در قسمت انتهایی آن است.

در انتهای بحث مقاله دوم، نویسنده، اشاره خوبی به طریقتی بودن نظر کارشناس‌(روانپژشکان) دارد و معتقد است، دادگاه در نهایت باید با توجه به شرایط، اوضاع و احوال و در صورت وجود سابقه بیماری روانی، به مسئولیت فرد بپردازد.

در این دو مقاله مشکل شکلی و ساختاری هم دیده می‌شود که در مقاله اول عبارت حدود مسئولیت به جای وجود یا عدم وجود قوه‌ی تمیز و اراده آورده شده (برخلاف عنوان مقاله) و در بعضی موارد خیلی واضح و روشن، داشتن یا نداشتن مسئولیت را تعیین نکرده است. در مواردی هم بعد از توصیف اختلالات روانی، ذکری از حدود مسئولیت نشده است (مثل اختلال هذیانی).

در مقاله دوم علاوه بر یافته‌ها و بحث، عنوانی به نام «نتایج» آمده که سبب ذکر آن معلوم نیست و خیلی مفصل تر از یافته‌ها است. در هر دو مقاله بخش مهم نتیجه‌گیری اصلًاً وجود ندارد و از مطالعه هیچ نتیجه‌گیری نشده است.

### قسمت دوم

مسئله اصلی بحث این نامه و موضوعی که در هر دو مقاله مشاهده می‌شود؛ مفهوم قوه‌ی تمیز و اراده است که به نظر می‌آید به آن توجه چندانی نشده است. البته در مقاله دوم در قسمت یافته‌ها بعضی از سؤال شوندگان اشارات غیرمستقیمی داشته‌اند از جمله انکار فقدان قوه‌ی تمیز و اراده در انسان (از نظرات پژشکان) یا وجود نداشتن مفهوم این دو عبارت در علم حقوق و غیره.

آنچه باید درباره قوه‌ی تمیز و اراده روشن شود، تعیین مفهوم آن در حوزه حقوق، بهویژه حقوق جزا است. براساس اصول کلی حاکم بر حقوق و فقه و نیز مفهوم مسئولیت کیفری و تعیین مجازات به عنوان یک امر اجتماعی و حق جامعه بر آحاد خود، فردی مستحق مجازات است که با انگیزه مقصد ارتکاب جرم برای رسیدن به هدف معین با نقض متعددی و تعرض نسبت به یک قاعده یا قانون جزایی و عبور آگاهانه و آزادانه از نظم تعیین شده در نظام و دستگاه کیفری یک جامعه اقدام کند که وجود قصد (قدرت انتخاب) در این چارچوب را عنصر معنوی جرم می‌نامند.

اصطلاحات قوه‌ی تمیز و اراده فرد همان‌طور که در مقاله دوم حقوقدانان به درستی اشاره کرده‌اند، در ارتباط با عنصر معنوی جرم موضوعیت می‌باشد و ارتباطی با عنصر مادی جرم و نفس فعل واقع شده ندارد زیرا هیچ امر مادی توسط اعضاء و جوارح انسان بدون اراده واقع نمی‌شود (حتی در جرائم شبه عمد و خطای محض) و انجام هر فعل پیچیده‌ای هم نیازمند اراده است و اراده هم نیازمند قوه‌ی تمیز. به همین دلیل در انجام فعل مادی و نفس انجام عمل حتی حیوانات هم هر دو قوه را دارند و گرنه آن کار را انجام نمی‌دادند. اگر گوسفند شخصی علف شخص دیگری را بخورد در نفس علف

فقط قرینه‌ای علمی است و دال بر نبودنِ مطلق قوه‌ی تمیز و اراده ارتکاب جرم نیست؛ بلکه دادگاه باید با توجه به بستر ارتکاب جرم و وجود دلایل مثبت دیگر دال بر مخدوش بودن قوه‌ی تمیز و اراده تصمیم‌گیری کرده و صرفاً براساس نظرِ کارشناس پزشکی قضاوت نکند.

دادگاه می‌تواند با بررسی فعل انجام شده و میزان پیچددگی آن، انگیزه و نیت فرد با توجه به نتایج آن، و تشخیص وجدان عمومی بر سرزنش و شماتت مجرم یا بیگناهی او تصمیم‌گیری کند. به عبارت دیگر، تشخیص وجود اختلال روانی و سایکوز به عهدهٔ پزشکان است ولی این